

آدم بزرگ‌ها با ترجمه رضی هیرمندی منتشر شد

کتاب «آدم بزرگ‌ها هیچ وقت این کارها را نمی‌کنند...» نوشته دیوید کالی با ترجمه رضی هیرمندی توسط نشر افق منتشر و راهی بازار نشر شد. مهر خیر داد که این کتاب بیستمین عنوان از مجموعه «کتاب‌های تصویری» است که این ناشر چاپ می‌کند و هیرمندی پیش‌تر کتاب‌های «مشق شبم را نونو شتم چون...»، «ماجرای

۵ اردیبهشت سالروز درگذشت امیرحسین فردی است؛ نویسنده‌ای که قریب به ۳۰ سال در حوزه

ادبیات انقلاب قلم زد و او را پدر ادبیات داستانی انقلاب می‌دانند

سلام بر اسماعیل

شکی نیست که خاطرات و آثاری که به قلم امیرحسین فردی در تاریخ هنر و ادبیات این آب و خاک ثبت شد، هرگز از یادها نخواهد رفت. نویسنده‌ای که عصر روز پنجم اردیبهشت ۱۳۹۲ دچار مشکل تنفسی شد اما پیش از انتقال به بیمارستان درگذشت. زندگی فردی را باید از دو منظر شناخت؛ نخست از منظر بررسی کارنامه نویسنده‌ای که رمان‌هایی چون «گرگ‌سالی» و «اسماعیل» را نوشت و رویکرد متعهدانه‌او در مواجهه با ادبیات داستانی را می‌توان در آثارش به تماشا نشست. دومین وجه زندگی فردی، وجهه‌ای است که از او در میان اهالی هنر و ادبیات به‌جامانده است. فردی به شهادت بسیاری از دوستان و حتی دشمنانش بسیار انسان متواضعی بود و این فروتنی جزئی جدایی‌ناپذیر از شخصیت دوست‌داشتنی او محسوب می‌شد. به‌جز این، موضوعی که او در جذب حداکثری و اجماع همه تفکرات در کنار هم داشت، در خاطرات بسیاری از کسانی که با او آشنا بودند، مانده است. البته این مساله برای او تبعاتی معنوی و مقدس، پیوند قوی دین و فرهنگ هم داشت و خیلی‌ها به همین دلیل فردی را خوش نمی‌داشتند. این گزارش، مجموعه مختصری است در یادبود اسماعیل ادبیات داستانی انقلاب اسلامی و خدمات بی‌دریغی که او به هنر انقلاب کرد.



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

مسجد؛ سکوی پرتاب

فردی از ابتدای فعالیت نوشتاری خود با درونمایه‌های انقلابی و مذهبی شروع کرد. او متعلق به نسل نویسندگان آرمانگرایی بود که بیش از هر چیز به نقش و کارکرد ادبیات داستانی در راستای آرمان‌های انقلاب می‌اندیشیدند. خاستگاه او را مسجد جوادالائمه (ع) می‌نامند؛ چراکه در سال‌های اولیه انقلاب، در نشست‌های ادبی و مذهبی شرکت می‌کرد و در این مکان معنوی و مقدس، پیوند قوی دین و فرهنگ جامعه ایجاد شد که فردی در ایجاد آن نقش سازنده و تأثیرگذاری داشت.

گلعلی بابایی، ازجمله دوستان و هم‌مسجدی‌های فردی در مسجد جوادالائمه (ع) بود. او درباره حال‌وهوای این مسجد چنین می‌گوید: «مسجد جوادالائمه (ع) بابت راه‌اندازی کتابخانه و امور فرهنگی‌ای که در آنجا صورت می‌گرفت، وجه فرهنگی برجسته‌تری به نسبت سایر وجوه داشت. جوان‌هایی که علاقه‌مند به کتابخوانی بودند، جذب کتابخانه می‌شدند. من روزها کار می‌کردم و شب‌ها درس می‌خواندم به همین جهت عضو معمولی کتابخانه بودم. در آن دوره آقای فردی و برخی دوستان دیگر مسؤول کتابخانه بودند. این رفت‌وآمدها و آشنایی با فضای فرهنگی کتابخانه مزیتی بود که ما نسبت به بقیه مساجد داشتیم. امام جماعت مسجد هم خیلی متشوق بچه‌ها بودند، این‌که بچه‌ها بیایند و عضو شوند. دوستان زیادی ذیل این فعالیت‌ها دور همدیگر جمع شدند. افرادی مثل مرحوم فرج...، سلحشور، آقای بهزاد بهزادپور و دیگران هرکدام جاذبه خاصی داشتند و باعث می‌شدند تا جوان‌ها

جذب فعالیت‌های فرهنگی مسجد شوند.» نکته مهم اینجاست که فردی مثل خیلی از کسانی که بعد از عبور از دوره نوجوانی، جذب دانشگاه و فضاهای دیگر می‌شوند و از مسجد دور می‌مانند، نبود. او پیوند خود را با مسجد همواره حفظ کرد و نگذاشت رشته انسی که میان او و محیط روحانی مسجد جوادالائمه (ع)



جایزه شهید غنی‌پور یادگار فردی



نشان بزرگ‌زنگان جایزه ادبی شهید غنی‌پور

شهید حبیب غنی‌پور یک جوان اهل قلم بود که در دوره‌ای با مجلات رشد هم همکاری می‌کرد. او بعدها به جبهه رفت و شهید شد اما این همه چیزی نیست که باید در مورد این شهید بدانید. شهید غنی‌پور یکی از پچه‌محل‌ها و به تعبیری از شاگردان فردی در مسجد جوادالائمه (ع) بود؛ مسجدی خاص و چنان‌که گفتیم کتابخانه خیلی خوبی داشت و استعدادهای خوبی را نیز پرورش داد، به‌گونه‌ای که بعضی نویسندگان امروز ما حاصل آن حلقه و مسجد هستند. شهید حبیب غنی‌پور هم اهل آن گعده و جلساتی بود که در مسجد جوادالائمه برگزار می‌شد.

چند سال بعد از این‌که حبیب غنی‌پور شهید

شد، امیرحسین فردی به این فکر افتاد که یک جایزه ادبی برای ادبیات کودکان و نوجوانان راه بیندازد و آن را به نام جایزه «ادبی شهید غنی‌پور» نامگذاری کند. ابتدا حوزه کار این جایزه و آثاری که می‌پذیرفت، بیشتر رمان‌های حوزه دفاع مقدس بود. بعدها عمومی‌تر شد و کار تا جایی ادامه پیدا کرد که این جایزه امروز هم که امیرحسین فردی در قید حیات نیست، توسط دوستان او ادامه دارد و هرسال برگزار می‌شود. این کار فردی باعث شد تا یک جایزه ادبی نخستین بار از از طرف یک مسجد به راه بیفتد و حتی در برخی از دوره‌ها مراسم‌های این جایزه را در مسجد جوادالائمه (ع) برگزار می‌کنند که از این جهت، اتفاقی نادر است.

باورنکردنی تابستان من...»، «به مدرسه دیر رسیدم چون...»، «ماجرای باورنکردنی مدرسه من...» و «ماجراهای بامزه در موزه...» را از دیوید کالی ترجمه کرده که توسط همین ناشر منتشر شده‌اند. دیوید کالی، نویسنده ایتالیایی سوئیسی است که کتاب و قصه‌های تصویری می‌نویسد. تصویرگری کتاب‌هایی هم که هیرمندی

ترجمه کرده، توسط بنجامین چاد انجام شده است. او در ایتالیا و گاهی هم در فرانسه زندگی می‌کند و کتاب‌های مختلفی برای بچه‌ها و بزرگسالان نوشته است. آدم بزرگ‌ها هیچ وقت این کارها را نمی‌کنند... یک کتاب تصویری است که در این گونه کتاب‌ها، نویسنده و تصویرگر با همراهی هم بچه‌ها را به دنیای قصه‌ها می‌برند.



امیرحسین فردی را به عنوان پدر ادبیات داستانی انقلاب می‌شناسند. اما دلیل نسبت‌دادن این لقب به او چیست؟
khamenei.ir عکس



وقتی کیهان بچه‌ها دفتر مشق شد!

یکی از شنیدنی‌ترین خاطرات دوره مدیریت امیرحسین فردی در کیهان بچه‌ها به سال ۱۳۶۲ برمی‌گردد. در آن سال به علت وضعیت بد اقتصادی و مسائل و مشکلاتی که در کشور پدید آمده بود، بازار کاغذ به وضع بدی افتاد و کاغذ نایاب شد. در تهران کاغذ نبود مگر این‌که در بازار سیاه به قیمت بسیار بالا می‌شد مقدار اندکی پیدا کرد. اهالی نشر و مطبوعات به خوبی می‌دانند که انتشار جرید و مجلات در چنین شرایطی امری بسیار سخت است. از طرفی گرانی کاغذ بر قیمت دفترهای مدارس دانش‌آموزان نیز تأثیر گذاشت و به‌طور کل هرچیزی که کاغذی بود، به‌ناگاه گران شد. در این شرایط امیرحسین فردی ابتکاری به خرج داد. فردی که می‌دانست احتمالاً خیلی از والدین امسال در خرید دفتر برای فرزندانشان خود دچار مشکل خواهند شد، کاری کرد کارستان. آن شماره از کیهان بچه‌ها سفید چاپ شد تا بچه‌ها از آن به‌عنوان دفتر مشق استفاده کنند! شاید هیچ روزی به اندازه آن شماره، بچه‌ها کیهان بچه‌ها را مال خودشان ندیدند.



تصویری از تحریریه کیهان بچه‌ها در سالیان دور

حسن ختام



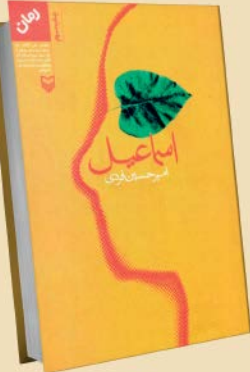
بعد از مرگ امیرحسین فردی بر اثر عارضه قلبی، رهبر معظم انقلاب پیامی را برای درگذشت این هنرمند مجاهد و نویسنده انقلابی صادر کردند. فردی در زمان مرگ مدیریت مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری را به‌عهده داشت. متن پیام رهبر

انقلاب به شرح زیر است:

«بسمه تعالی

درگذشت تأسف بار هنرمند و نویسنده متعهد و مجاهد آقای امیرحسین فردی رحمه... علیه را به همه اصحاب ادبیات و هنر انقلاب و به خانواده و بازماندگان و یاران همراه ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این هنرمند مؤمن و سختکوش، از پیشگسوتان در عرصه فعالیت‌های ادبی دوران انقلاب و از بنیانگذاران هسته‌های جوانان هنرمند انقلابی و در شمار برجستگانی بود که نهال پرطراوت هنر انقلاب را در برابر دشمنان غنود و همراهان سست‌عنصر، با انگیزه و ایمان راسخ خویش پاسداری کردند و به شکوفایی و باروری امروز رساندند. رحمت خدا بر او و بر تلاش صادقانه‌اش.

سیدعلی خامنه‌ای ۷ اردیبهشت ۱۳۹۲



رمان نویس بزرگ انقلاب

افزون بر همه آنچه در این گزارش درباره کارنامه زنده‌یاد امیرحسین فردی گفته شد، باید دانست که فردی بیش و پیش از همه اینها یک داستان‌نویس بود. آثار داستانی‌ای که او در سی سال فعالیت هنری خود به خلق آنها همت گذاشت، نمونه‌هایی بی‌بدیل و جاودانه در تاریخ ادبیات داستانی انقلاب اسلامی ایران خواهند بود. فردی افزون بر این‌که داستان‌نویسی برای بزرگسالان را با جدیت دنبال می‌کرد فعالیت در حوزه ادبیات کودک و نوجوان را نیز مد نظر داشت.

